تاک

استانداردهای آموزش به کودکان ۳ تا ۵ ساله

آزاده سیدمیرزایی‌جهقی
پژوهشگر مؤسسه مطالعات کودکی مدرس

● کودکان در سنین مختلف قابلیت و توانایی‌های گوناگونی دارند. معمولا از سه‌سالگی آموزش به کودکان را می‌توان آغاز کرد. هرچند از چهار تا شش‌سالگی اوج سنین آموزش است. کودکان در چهارسالگی می‌توانند تا حدودی مهارت‌های اساسی برای نوشتن را بیاموزند. آنها باید بتوانند چگونگی قلم به دست‌گرفتن، خط‌کشیدن و رسم تصاویر را یاد بگیرند. کودکان در این سن قادرند خطوط درهم‌وبرهمی را به صورت متن بنویسند که با شکل یا تصویر کاملا متفاوت است. کودک می‌تواند انواع مداد، ماژیک و... را به درستی به دست گرفته و با آن خطوط یا تصاویری را رسم کند یا روی کاغذ خطوطی مبهم و درهم‌وبرهم می‌نویسد و می‌گوید در حال مشق‌نوشتن است. کودک می‌تواند برخی حروف و برخی از اشکال را به خوبی رسم کند و به والدین خود نشان دهد و قادر است خطوط را تا حدودی قابل درک و نزدیک به خط نوشتاری بنویسد؛ مثلا کودک تصویری را نقاشی کرده و با چند حرفی که بلد است به‌اصطلاح برای آن نامی می‌نویسد. همچنین کودکان در این سن با آموزش بزرگ‌ترها می‌توانند نام خود را تا حدودی درست بنویسند. ازجمله استانداردهای آموزشی دیگری که می‌تواند مدنظر قرار گیرد، آموزش نقش‌های اجتماعی، جغرافیا و اقتصاد است.

درک نقش‌های اجتماعی افراد

-درک و تعیین جایگاه افراد در جامعه و اینکه هرکدام چه نقش‌ها و وظایفی برعهده دارند؛ مانند درک نقش پدر و مادر، معلمان، مدیر مهد و... / - شناسایی و درک سیاست‌مداران کنونی به‌عنوان رهبر و رئیس‌جمهور و... و درک وظایف و نقش آنها در جامعه و اداره آن./ - آموزش و درک قوانین جاری در جامعه، مهد، خانواده و اینکه این قوانین چه کمکی به ما می‌کنند./ - آموزش و درک خود به‌عنوان فردی از جامعه، خانواده و گروه همسالان در مهد./ - آموزش نقش دانش‌آموز در کلاس و اهمیت رعایت قوانین مدرسه و کلاس.

درک جغرافیا

- استفاده درست از کلمات و ضمایر مکانی و زمانی مانند آنجا، اینجا، زیر، بالا، پایین، چپ، راست، روبه‌رو، جلو، عقب، مابین و... مانند استفاده از مکان‌نما و شناختن دست و پای چپ و راست./ - درک نقشه جغرافیایی شهر و کشور و تعیین مکان کشور روی کره زمین./ - شناسایی و درک کامل از مکان و موقعیت مهد، مانند شناسایی اتاق بازی، کلاس‌ها، سرویس بهداشتی، حیاط و... و آموزش و درک آدرس مهد و آدرس محل سکونت./ - شناسایی و درک فصل‌های مختلف سال و تاثیری که هر فصل بر جامعه و افراد دارد؛ مثلا اینکه افراد در هر فصلی چه لباسی می‌پوشند.

درک اقتصاد

- درک کلمات مربوط به کار مثل: شغل، پول، خریدوفروش و .../ - توضیح و درک اینکه افراد کار می‌کنند تا پول به دست آورند و با آن چیزهایی را که می‌خواهند تهیه کنند. / - درک این موضوع که افراد هرکدام بنا بر تخصص خود شغل‌های گوناگون را برعهده دارند و در هر شغلی وظایف و ابزارهای متفاوتی وجود دارد که این مورد را می‌توان با انواع تصاویر، کتاب‌ها، فیلم‌ها و نرم‌افزارها آموزش داد.

مسئولیت نظام آموزشی در برابر کودکان امروز چیست؟

مسعود کریمی . معلم

ویژگی جوامع امروزی و دوران ما، تغییرات سریع و دائمی است. اگر از ما سؤال شود چه خبرهایی از کودکان، نوجوانان و جوانان داریم، هرکس به نوبه خود مشاهدات متنوعی دارد. بعضی از مشاهدات ما به‌عنوان یک معلم و علاقه‌مند به موضوع آموزش و رشد کودکان و جوانان، عبارت‌اند از:

۱. کودکان گرفتار انواع جعبه‌های جادویی و تجهیزات الکترونیکی امروزی هستند که بیشتر از آنکه با یکدیگر و اجتماع اطراف خود گفت‌وگو کنند، از طریق آن وسایل یا با خود آن بازی‌ها ارتباط برقرار می‌کنند.

۲. محله‌های بازی و تعاملات کوچه و خیابان کودکان از بین رفته است و حتی اغلب از فضای باز مدارس هم خبری نیست. کودکان ساعات بیشتری را در خانه‌های غالبا بدون حیاط و آپارتمانی خود می‌گذرانند و با تعداد کمتری از هم‌سن‌وسالان خود و جامعه ارتباط دارند.

۳. فردگرایی و تنهایی در کودکان بیشتر مشاهده می‌شود.

۴. در سراسر شهر، خانه و مدرسه، در معرض اطلاعات، اخبار و تبلیغاتی قرار دارند که خواسته یا ناخواسته، ذهن آنان را از مسائل کودکی جدا می‌کند.

۵. والدین کودکان در معرض رسانه‌هایی هستند که اخبار انواع بحران‌های اقتصادی، مالی، اجتماعی و انسانی از طرق مختلف به گوششان می‌رسد و کودکان ناخواسته در معرض اخبار ناگوار و ترس و هراس از جنگ و ناامنی‌های اجتماعی و اقتصادی قرار می‌گیرند.

۶. مشکل بی‌کاری گسترده و دشواری پیداکردن شغلی مناسب در جوامع امروزی، موضوعی است که کودکان از سنین نوجوانی با آن مواجه می‌شوند.

۷. در اقصا نقاط جامعه، شهر و حتی روستا، کلاس‌های بی‌شماری وجود دارد که کودکان به توصیه والدین، همسایه و خویشاوندان‌شان باید برای موفقیت در آینده طی کنند. درس‌هایی که بعدها خواهند فهمید که چه فایده‌ای برای آنها دارد و اغلب ربطی با نیاز و بستر زندگی آنها ندارد.

۸. مراحل و مقاطع زندگی کودکان با مراحل و مقاطع زندگی والدین یا بزرگ‌ترهای آنها به نحو شدیدی متفاوت است و همواره بخش بزرگی از جامعه در حال بررسی این نکته هستند که در زمان ما اصلا این مقاطع وجود نداشت یا اگر وجود داشت، مربوط به سن‌های بالاتر بود. یکی از سخت‌ترین تصمیم‌های والدین برای کودکان‌شان، این است که کودکان چه چیزهایی را در چه سنی باید داشته باشند؟ مثلا استقلال، موبایل، اینترنت، کار و... .

اکنون سؤال این است که با وجود چنین شرایطی که جزء مختصات اجتماعی جوامع امروزی است، کودکان چگونه باید برای آینده‌ای سرشار از تجربه، خوشبختی و موفقیت توانمند شوند؟

برای توانمندکردن کودکان لازم است رویکردهای خود را به آموزش بازنگری کنیم. حقیقت این است که ما مربیان واقعا نمی‌توانیم با درس‌دادن آنها را توانمند کنیم. ما می‌توانیم با ایجاد فضای مناسب، آنها را ترغیب کنیم که خودشان را توانمند کنند و برای این امر لازم است رویکردهای آموزشی خود را به‌درستی انتخاب کنیم. برخی از رویکردهای جاری و مطرح در سطح جامعه ما به قرار زیر است:

- بچه‌ها لازم است باسواد باشند و به‌گونه‌ای تربیت شوند که علوم مختلف را آموخته‌اند؛ نه الزاما علومی که در زندگی به آن نیاز دارند، بلکه علومی را که برنامه‌ریزان آموزشی بر اساس سنت‌های آموزشی برای رشد آنها لازم می‌شمارند.

- تلاش داریم کودکانی نخبه، عالم و موفق تربیت کنیم. ما (مربیان و مسئولان آموزشی) توجه ویژه‌ای به افزایش مهارت پاسخ‌دادن به آزمون‌های متنوع داریم. اصولا کودکانمان را برای آزمون‌دادن تربیت می‌کنیم که از ورودیه مدرسه تا استخدام در مراحل عالی، انواع آزمون‌ها را بدهند. آموزش می‌دهیم تا آزمون بگیریم و آزمون می‌گیریم تا پذیرش برای تحصیل صادر کنیم.

- لازم است از فرصت کودکی برای یادگیری علوم و هنرهای مختلف به‌درستی استفاده شود.

رویکرد دیگر می‌گوید:

- هر کودکی منحصربه‌فرد بوده و لازم است استعداد و توانایی کودکان از سوی خودشان جست‌وجو و کشف شود.

- کودکان در بستر زندگی و جامعه خود رشد می‌یابند و لازم است آنها را یاری کنیم تا توانایی‌های خود را کشف و مهارت‌های لازم زندگی را پیدا کنند.

- لازم است کودکان آموزش ببینند و رشد یابند تا یادگیری را کشف کنند.

- کودکان لازم است توانمند شوند تا بتوانند با استقلال، زندگی خود را بسازند.

- ما (مربیان و مسئولان آموزش) تلاش می‌کنیم کودکان بتوانند تعادل و صلح با تمام اطراف در حال تغییر خود را بیابند و فرایند زندگی صلح‌آمیز در آنان شکل بگیرد.

- لازم است کودکان رشد کنند تا مسئولیت تغییرات آینده را بپذیرند؛ تغییراتی که روش زندگی آنها را با ما متفاوت می‌کند.

- کودکان باید شادبودن و با شادابی زندگی‌کردن را در خود رشد داده و حفظ کنند.

لازم است نظام آموزشی ما بار دیگر این سؤال را از خود بپرسد که مأموریت اصلی‌اش در کشور چیست و با چه رویکردی و چگونه می‌خواهیم آموزش دهیم؟

آموزش متوازن اجتماعی و مالی، بخشی از کل موضوع آموزش کودکان است. در این آموزش، کودکان ترغیب می‌شوند از لحاظ مالی و اجتماعی خود را توانمند کنند و عاملان تغییر و بهبود در جامعه خود باشند. این آموزش بر پنج محور اصلی استوار است:

۱. کشف و جست‌وجوی خود (کشف توانمندی‌ها، منحصربه‌فرددانستن خود، کسب اعتمادبه‌نفس و جست‌وجوی هویت اجتماعی خود)

۲. حقوق و مسئولیت (درک حقوق فردی، فهم حق برای همه افراد، کنار هم قراردادن حق و مسئولیت، شناخت حقوق کودک)

۳. منابع و پس‌انداز (شناخت منابع، فهم اهمیت حفاظت از منابع، پس‌انداز و خرج، انتخاب الگوی پس‌انداز، وام‌گیرنده خوب و پس‌اندازکننده خوب، عادت پس‌انداز و شناخت مؤسسات مالی)

۴. برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی (هدف‌گذاری، تنظیم منابع، شناخت زمان و تیم)

۵. اقدام ابتکاری اجتماعی و مالی (سازماندهی اقدام اجتماعی یا مالی، طرح‌ریزی یا اقدام).

چنین روش‌های آموزشی در اغلب کشورهای دنیا اعم از پیشرفته و درحال‌توسعه، در مناطق مختلف روستایی و شهری در تمام قاره‌ها در حال اجراست. بسیاری از وزارتخانه‌های آموزش‌وپرورش و بانک‌های مرکزی و سازمان‌های مردم‌نهاد، مدارس و اولیا و مربیان بر لزوم این آموزش‌ها واقف بوده و در حال توسعه آن هستند. در تمام این نوع آموزش‌ها، اصل اول توانمندکردن معلمان و نشان‌دادن راه‌های تسهیلگری و یادگیری فعال به آنان است؛ به‌طوری‌که معلم در هر منطقه‌ای متناسب با نیاز و امکانات آن منطقه بتواند آموزش را با تجربه و زندگی اجتماعی و مالی کودکان بیامیزد. کودکان و نوجوانان توانسته‌اند نقش مؤثری در جوامع محلی خود داشته باشند و با مراکز اجتماعی و مالی، ارتباط مؤثری برقرار کنند.

تبارشناسی واژه هنر معلمی، از دلیل‌ها تا علت‌ها

کامل حسینی
معلم

اگر در حوزه ادبیات آموزش و پرورش به تبارشناسی واژه «هنر معلمی» بنگریم باید حقیقت دو آبشخور اصلی یا دو چشم‌انداز گشوده‌شده به روی این واژه را که در مباحث و برنامه‌ریزی‌های آموزش و پرورش مطرح شده است درک کنیم. از این دو چشم‌انداز می‌اندیشیم به اینکه اصولا غرض ما از واژه «دلیل» و همچنین «علت» در مبحث زایش و رواج واژه هنر معلمی چیست؟ در واقع؛ هر گونه طرح استدلال عقلانی جدا از میزان صحت آنها برای اثبات نقش حداکثری هنر معلمی به عنوان راه‌حلی برای مبارزه با مشکلات آموزشی و پرورشی، ذیل مقوله «دلیل» قرار می‌گیرد و به دور از هرگونه غرض ناپذیرفتنی دیگر به نقش حداکثری هنر معلمی در این وضعیت بحرانی برای پیشبرد اهداف آموزشی و پرورشی باور دارد.

اما معضل و شکست احتمالا از آنجایی آغاز خواهد شد که پافشاری بر نقش حداکثری هنر معلمی توسط برخی افراد اصولا نه به سبب طرح دلیل بلکه ناشی از «علت»ها انجام می‌شود؛ یعنی منشأ ادعای آنها برای دفاع از نقش بیشینه هنر معلمی به جای اینکه از ماهیت استدلالی و عقلانی برخوردار باشد ناشی از وضعیت و شرایط خاص یعنی «علت‌ها» است. چنین است که در این رویکرد علت‌هایی مانند نبود بودجه کافی و بحران اقتصادی بهانه‌ای برای کاستن از بار مسئولیت خود سیستم و در مقابل، سنگین‌ترکردن بار مسئولیت آموزگاران می‌شود و بنایش بر این است که هنر معلمی آموزگاران کاستی‌ها را جبران کند. اما معمولا آموزگاران وظایفشان در حیطه آموزش یا تلاش جهت پرورش روحی، فکری و اندرز دانش‌آموزان است و قرار نیست به تنهایی در شرایط بحرانی حلاّل بیشتر مشکلات باشند. از همین رو اطلاق «هنر معلمی» به هیچ وجه نباید مسبب خلط وظیفه و تداخل مسئولیت‌های مختلف شود. مسابقه فوتبال را در نظر بگیریم که در آن، امنیت کامل برگزاری بازی را بر عهده «هنر داوری» یا هنر شخص مربی بگذاریم؛ بدیهی است که اگر از مربی یا داور انتظار داشته باشیم که در نقش پلیس ظاهر شوند و به بهانه لزوم حداکثری هنر داوری یا مربیگری از گماردن پلیس‌ها صرف‌نظر کنیم آن‌گاه نه تنها مربی و داور ناتوان خواهند ماند بلکه شأن معنوی و ارزش حرفه‌ای آنها نیز به علل مختلف پایین خواهد آمد.

بنابراین به‌هیچ‌وجه نباید در شرایط نامناسبی مانند آشفتگی اقتصادی و آموزش و پرورش برای حل معضلات از مفهوم هنر معلمی جهت پوشاندن کمبودها بهره‌برداری کنیم یا ضعف هنر معلمی را مانع اصلی در ناکامی‌ها بدانیم. البته نگارنده به اهمیت هنر معلمی باورمندم اما انتظار ما از هنر معلمی نباید تابع دیدگاهی غیرواقعی و مبالغه‌آمیز شود بلکه متناسب با شرایط جامعه در حد توان واقعی خود آموزگاران باشد و بقیه مسئولیت‌ها برای مدیریت کلاس و امور پرورشی را باید به موارد دیگری نظیر مدیران و معاونان لایق، مشاوران زبده و تجهیز مدارس هم سپرد تا آموزگاران احساس تنهایی نکنند؛ در غیر این صورت انگیزه مسئولیت‌پذیری آموزگاران را دچار افت شدید می‌کند و در نتیجه تداوم آشفتگی و ناکامی در حوزه آموزش و پرورش همچنان افزایش خواهد یافت.

نگاه

اهمیت آموزش کودکان پیش از دبستان

رضا حسینی . کارشناس آموزشی

● اندیشمندان بر این باورند که اوان کودکی، یعنی سال‌های بین بدو تولد تا قبل از ورود به مدرسه، مهم‌ترین زمان یادگیری در طول عمر انسان است. در این سال‌ها، بنیان‌های ادامه زندگی شکل می‌گیرد.

کودکان با آمادگی برای یادگیری و علاقه به جهان اطراف متولد می‌شوند و لازم است از این آمادگی در همان اوان کودکی به بهترین نحو استفاده شود تا کودکان در دوران بعدی زندگی بتوانند با توجه به ظرفیت‌های خود به بالاترین درجه رشد در حوزه‌های مختلف دست یابند.

باور آموزشگران امروز بر این است که کودک مهم‌ترین نقش را در یادگیری خود ایفا می‌کند و بر این اساس رویکرد آموزش کودکان در جهان مدت‌هاست به سمت کودک‌محوری در حال حرکت و تکامل است.

بدون شک در تسریع این حرکت، نتایج پژوهشی اخیر در حوزه‌های مختلف از جمله علوم شناختی سهم بزرگی داشته و دارند. همچنین اعتقاد بر این است که علوم شناختی به زودی تحولات عظیمی را در حوزه آموزش و یادگیری کودکان ایجاد خواهد کرد.

پژوهش‌های اخیر در علم عصب‌شناسی آموزشی بیانگر این نکته است که بخش بزرگی از ذهن، شخصیت و مهارت‌های افراد در پنج سال اول زندگی شکل می‌گیرد؛ در واقع این دوره پنج‌ساله، مرحله‌ای حیاتی برای رشد در تمام عمر است.

این تحقیقات نشان می‌دهد که کیفیت تعاملات کودک با محیط اطراف خود، تاثیر تعیین‌کننده‌ای بر معماری مغز، ماهیت توانایی‌ها و میزان گسترش آنها در بزرگسالی دارد.

بنابراین روابط گرم، حمایتی و اطمینان‌بخش مربیان و سرپرستان با کودک نقشی حیاتی دارد و بازی و تعامل با همسالان از اهمیت ویژه‌ای در رشد کودک برخوردار است.

کودکان در سنین پیش از دبستان نیاز به فرصت‌های ارزشمند و مکرر تربیتی دارند و لازم است محیط‌های یادگیری کودکان به گونه‌ای طراحی شوند که ضمن ارائه چنین فرصت‌هایی، پذیرای کودک باشند و او را به فعالیت هر چه بیشتر ترغیب کنند.

بنا بر نظریات مربوط به علوم شناختی، بسیاری از برنامه‌های درسی آموزش اوان کودکی نیاز به بازنگری اساسی دارند؛ زیرا برنامه‌های درسی کنونی اکثرا بر حفظ طوطی‌وار یا آموزش رفتارها تمرکز دارند و در رشد طبیعی مغز اخلال ایجاد می‌کنند.

امروزه طراحی و اجرای برنامه‌های جایگزینی مد نظر است که بتوانند تجاربی از زندگی واقعی را برای کودک فراهم کنند، او را تحریک به دست‌ورزی مداوم کرده و عواطف او را به نحوی در فرایند یادگیری درگیر کنند. با اجرای چنین برنامه‌هایی کودکان به تدریج دانش جدید را در محیط‌هایی مناسب امتحان می‌کنند، آن را با دانش قبلی تطبیق می‌دهند و در قالب اطلاعات جدید ذخیره‌سازی می‌کنند. این اطلاعات سپس در موقعیت‌های جدید و نامحدودی که کودک در قرن بیست‌ویکم در معرض آنها قرار دارد مورد استفاده قرار می‌گیرند.

جدول ۳۵۹۷ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- داستان‌سرای دربار ناصرالدین‌شاه- بالاپوش بلند مردان قدیم ۲- وسیله حمل بار که به پشت خودرو بسته می‌شود- پاره‌خط جهت‌دار- سراینده مجموعه شعر هوای تازه ۳- تفسیرکردن- هر بخش یک مجموعه- ضمیر سوم ۴- هم‌زمانی- صلح و آشتی- برج دیدنی فرانسه ۵- بله آلمانی- بدون فکر قبلی و به طور ناگهانی- طراح و سازنده بنا ۶- جزیره بزرگ ایتالیا- معلم متوسطه- دیشب ۷- مرگ- حمله‌برنده- اصول عقاید ۸- پایین کوه- بازگشت به عقب ۹- فلزی شکننده- زمین کشاورزی بی‌مصرف‌مانده- گاو شخم‌زن ۱۰- گل ته حوض- شادمانی- شهادت ۱۱- ابزار پهن‌کردن خمیر- وسیله- طرف ۱۲- مایع خنک‌کننده موتور خودرو- تخم کتان- بازیکن دفاع آزاد ۱۳- یازده- شیدا- مساوی ۱۴- دگرگون‌شده- قراردادن- نوعی بیماری واگیر عفونی ۱۵- پسندیده- دومین پهنه آبی بزرگ جهان.

عمودی:

۱- فنا- نوعی پارچه لطیف- ضمانت‌کننده ۲- قامت- پسر امام حسن(ع) و شهید کربلا- مجرای ریختن گندم به آسیاب ۳- یگانه- آموختن- فریبنده زاد و فریبا بمیرد ۴- بزرگ‌ترین شبه‌جزیره دنیا- مقابل خروج ۵- روان‌شدن دستگاه‌ها و قطعات موتور خودروهای نو- بیماری کهنه- پدران ۶- گویشی در غرب ایران- کندزبان- ستاره کم‌پیدا ۷- محل آموختن درس- پیشوا- از جنس آهن ۸- من و شما- هدیه‌دادن- گازی قابل اشتعال- نشانه جمع ۹- رودخانه ارس- الکتریکی- همراه فلان ۱۰- سبز تیره- صد سال سیاه- دشمن ۱۱- زراعت- طولانی‌ترین مرز ایران با این کشور است- ظرفیت شیمیایی ۱۲- پیشوا- سنگ قیمتی درون صدف دریایی ۱۳- پایتخت ایتالیا- مراسمی که به یاد شخصی برگزار می‌شود- درختی جنگلی ۱۴- محبوب و خوشایند- پیرایه- مخترع تلفن ۱۵- تخمک- شهیدان- گیاه رنگرزی.

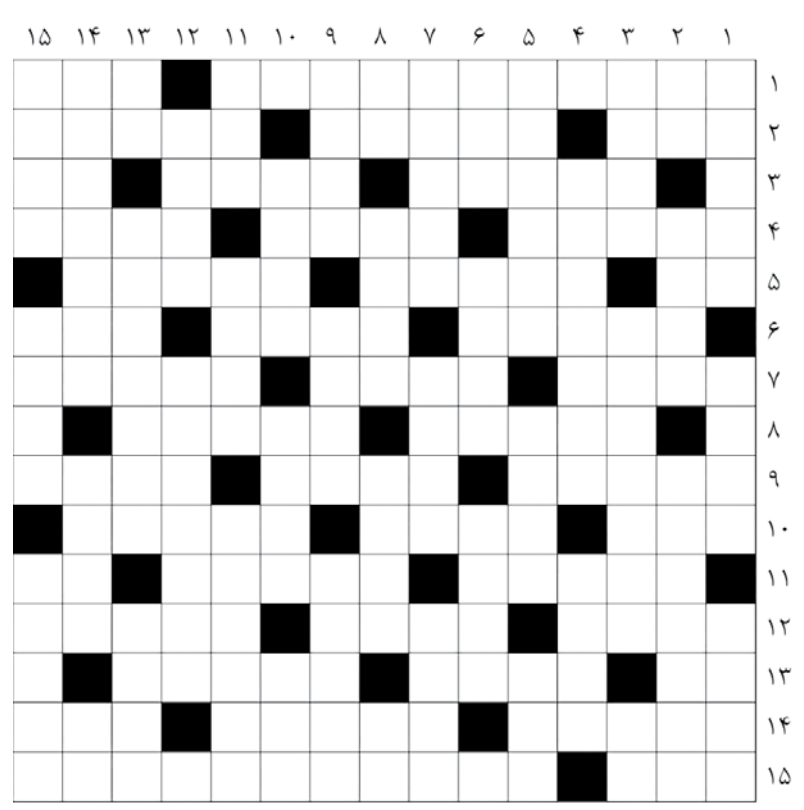

حل سودوکو سخت

۴	۳	۵	۶	۷	۱	۲	۹	۸
۷	۲	۱	۹	۴	۸	۳	۶	۵
۶	۹	۸	۲	۳	۵	۱	۷	۴
۸	۶	۹	۱	۲	۴	۷	۵	۳
۳	۱	۴	۵	۸	۷	۶	۲	۹
۵	۷	۲	۳	۶	۹	۴	۸	۱
۱	۴	۷	۸	۹	۶	۵	۳	۲
۹	۵	۳	۷	۱	۲	۸	۴	۶
۲	۸	۶	۴	۵	۳	۹	۱	۷

حل سودوکو ۲۵۹۲

۲	۶	۸	۵	۴	۹	۱	۷	۳
۱	۹	۳	۲	۶	۷	۵	۸	۴
۵	۷	۴	۳	۸	۱	۶	۲	۹
۷	۸	۹	۴	۲	۵	۳	۱	۶
۴	۵	۲	۶	۱	۳	۸	۹	۷
۳	۱	۶	۷	۹	۸	۲	۴	۵
۹	۴	۱	۸	۵	۶	۷	۳	۲
۸	۳	۵	۹	۷	۲	۴	۶	۱
۶	۲	۷	۱	۳	۴	۹	۵	۸

جدول ۳۵۹۶

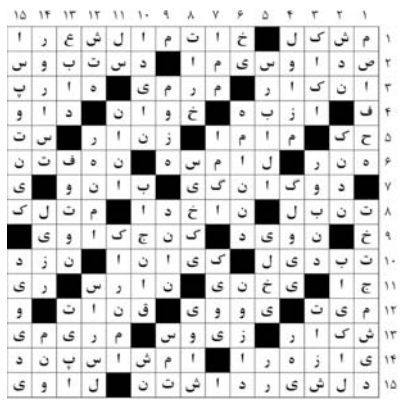

سودوکو سخت ۲۵۹۳

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۹	۷			۴	۸			
	۲		۱					
	۵	۱	۳					
	۳	۸				۷		
۵				۲				۳
		۷				۸	۴	
					۳	۲	۱	
					۴		۶	
			۹	۶			۸	۵

سودوکو ساده ۲۵۹۳

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

	۸							
			۹	۷			۱	۸
	۱	۷	۵		۸	۲		
		۲	۱	۴	۹			
۸		۶				۷		۱
			۶	۸	۷	۳		
		۹	۸		۳	۶	۲	
۵	۶			۲	۱			
							۵	